

کتاب گور به گور برای کسانی که به ادبیات کلاسیک، مدرن، طنز سیاه و داستان‌هایی که به روش جریان سیال ذهن است علاقه دارند توصیه می‌شود. از ویژگی‌های این رمان این است که فیلمی هم با همین عنوان یعنی گور به گور در سال ۲۰۱۳ توسط جیمز فرانکور ساخته شده است

گور به گور، قله ادبیات داستانی معاصر امریکا!

آشنایی با ویلیام فاکنر و رمان معروف او

ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات



بی شک خواندن آثار قرن بیستم خالی از لطف نیست مخصوصاً که نویسنده‌ای با قلم قوی همچون فاکنر آن را نوشته باشد. این کتاب نسبت به دیگر آثار او متن ساده‌تری دارد ولی در عین حال اگر چندین بار هم خوانده شود باز تازگی دارد.

در رمان گور به گور نویسنده به گونه‌ای شخصیت‌پردازی کرده و همه وقایع را از دید هر کدام چیده و پردازش کرده است که در نهایت خواننده گویی خود را درون جهان داستان پیدا می‌کند و به جای شخصیت‌ها می‌گذارد. کسانی که این رمان را خوانده‌اند باور بر این دارند که این کتاب استثنایی بوده و همیشه شخصیت‌های آن درون ذهنشان نقش بسته‌اند. داستان در نوع خودش بسیار جالب با زگو می‌شود، در ۵۹ بخش و توسط ۱۵ شخصیت که هر کدام به نوبت، موضوع رمان را روایت می‌کنند.

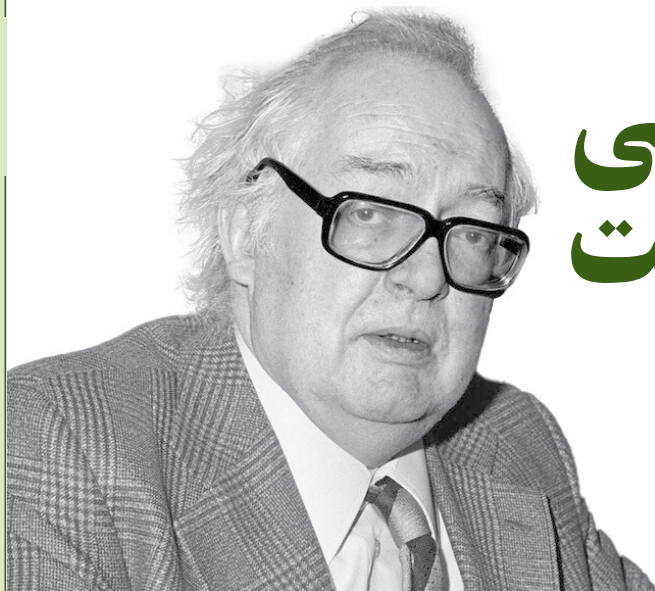
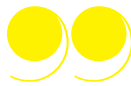
این رمان داستان مرگ آدی بوندرن و خانواده فقیر و روستایی اش را می‌گوید. زمانی که آدی به انتظار مرگ نشسته و ساختن گور خودش را نظاره می‌کند، باد و باران شدید روی می‌دهد و همه چیز به یک باره از بین رفته و ویران می‌شود. پس باید دید که خانواده او چه چاره‌ای برای این مشکل جست و جو می‌کنند.

کتاب گور به گور برای کسانی که به ادبیات کلاسیک، مدرن، طنز سیاه و داستان‌هایی که به روش جریان سیال ذهن است علاقه دارند توصیه می‌شود. از ویژگی‌های این رمان این است که فیلمی هم با همین عنوان یعنی گور به گور در سال ۲۰۱۳ توسط جیمز فرانکور ساخته شده است. پس می‌بینید که اثری مهم و خواندنی است. نویسنده این کتاب، ویلیام فاکنر، که در سال ۱۸۹۷ در می‌سی‌سی‌پی متولد شد و از سرشناسان در ادبیات امریکاست و توانسته جایزه نوبل را در سال ۱۹۴۹ از آن خود کند. او در اکثر قالب‌های ادبی مثل رمان، داستان کوتاه، شعر و نمایشنامه صاحب اثر بوده و تاکنون آثاری که نوشته جزو مهم‌ترین و پرفروش‌ترین‌ها بوده است. کتاب گور به گور با دو ترجمه خوب از دو انتشارات خوب برای مخاطبان در دسترس قرار دارد. نخست با ترجمه نجف دریابندری که انتشارات چشمه آن را به چاپ رسانیده و دیگری ترجمه احمد اخوت با نام همین طور که می‌میرم از نشر افق به تازگی به علاقه‌مندان ارائه شده است. دو قسمت کوتاه از کتاب گور به گور برای لذت بردن شما از متن آورده می‌شود و خدا نگهدار.

خیال می‌کردم مرگ پدیده‌ای است مربوط به بدن آدم، حالا می‌فهمم که فقط یکی از احوال روحی آدم است. مغز آدمیزاد عین ماشین است. زیاد نمی‌شود با آن ور رفت. بهترین صورتش این است که یکنواخت کار کند، هر روز، کار همان روز را بکند، هیچ قسمتی از آن بیش از اندازه لازم کار نکند.



کتاب گور به گور با دو ترجمه خوب از دو انتشارات خوب برای مخاطبان در دسترس قرار دارد. نخست با ترجمه نجف دریابندری که انتشارات چشمه آن را به چاپ رسانیده و دیگری ترجمه احمد اخوت با نام همین طور که می‌میرم از نشر افق به تازگی به علاقه‌مندان ارائه شده است



لادن عطیعی
خبرنگار



عدالتی که نیست

وقتی «دورنمات» از عدالت حرف می‌زند دقیقاً از چه چیزی صحبت می‌کند؟

به بیانی دیگر دورنمات سعی کرده با خلق این قصه از وضعیت اسفناک و رقت انگیز عدالت در جهان پس از جنگ جهانی دوم حرف بزند. در واقع مادر این کتاب بیشتر از آنکه با «عدالت» مواجه شویم با جای خالی آن روبه‌رو هستیم.

خلاصه اینکه این اثر نیز مانند سایر آثار پلیسی و جنایی دورنمات فقط یک اثر معمایی صرف نیست. داستان کتاب پرسش‌های فکری و فلسفی عمیقی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند.

از جمله اینکه آیا عدالت می‌تواند به دست هر کسی به اجرا دربیاید؟ مفهوم حقیقی عدالت چیست؟ و سؤال‌هایی از این دست که نسبت میان حقیقت و واقعیت را در نگاه خواننده به چالش می‌کشد.

«عدالت» فردریش دورنمات چندین گام یا یک حتی یک پرش بلند فراتر از ماجرای مهیج و پلیسی است و راستش را بخواهید شاید اصلاً صحیح نباشد که این کتاب را در دسته رمان‌های پلیسی بگنجانیم و از ابعاد فلسفی آن غافل شویم.

دورنمات در «عدالت» از عدالتی که نیست حرف می‌زند.



دورنمات سعی کرده با خلق این قصه از وضعیت اسفناک و رقت انگیز عدالت در جهان پس از جنگ جهانی دوم حرف بزند. در واقع مادر این کتاب بیشتر از آنکه با «عدالت» مواجه شویم با جای خالی آن روبه‌رو هستیم



فرض کنید توی روز روشن نماینده مجلس کشوری بروید به یکی از رستوران‌های شلوغ و در ملاء عام و جلوی چشم صدها نفر با شلیک مستقیم گلوله آدم بکشد و بعد برگردد سرکار و بار خودش و بعد از دستگیری و زندانی شدن ذره‌ای ندامت در رفتارش مشاهده نشود و انگیزه‌اش از قتل نیز مبهم و مرموز و عجیب باشد.

این ماجرای رمان «عدالت» اثر فردریش دورنمات است.

دورنمات رمان نویس و نمایشنامه‌نویس نام‌آشنای سوئیسی است که بسیاری از آثار نمایشنامه‌هایش با ترجمه حمید سمندریان از نشر قطره منتشر شده است. «عدالت» یکی از رمان‌های اوست که در حجمی کم با ترجمه محمود حسینی زاد از نشر برج روانه بازار کتاب شد.

حسینی زاد در سال ۲۰۱۳ مدال گوته را به دلیل ترجمه آثار متعدد آلمانی زبان به فارسی از طرف دولت آلمان دریافت کرد. «عدالت» چهارمین رمان جنایی و معمایی فردریش دورنمات است. این اثر بعد از سه گانه مشهور او «قول»، «قاضی و جلدش»، «سوءظن» نوشته و منتشر شد.

بخش عمده داستان در قالب گزارشی از یک وکیل دادگستری به مقامات بالاتر از خود ارائه شده است.

گزارشی پیرامون تعدادی قتل و جنایت که پیرنگ رمان نیز در آن گنجانده شده است.

ماجرای عجیب کتاب تلفیقی از کمدی و تراژدی است. کمدی‌ای که شاید بتوان آن را کمدی سیاه و پوچی نامید که شانه به شانه اوضاع پوچ و غمبار شخصیت‌ها پیش می‌رود. دورنمات در این اثر نیز مانند بسیاری از دیگر آثارش شخصیتی را خلق کرده است تا به دنبال برقراری عدالت باشد. اما «عدالت» در این اثر دورنمات با توجه به زبان کمیک اثر و موقعیت‌های توخالی و عجیبی که شخصیت‌ها در آن قرار می‌گیرند؛ از معنای حقیقی خود تهی شده است.